



Analysis of the Social Contexts of the Formation of Individualism in Iran

Ahmad Naderi¹ 

1. Department of Anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: anaderi@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 16 September 2025 Received in revised form: 18 November 2025 Accepted: 05 December 2025 Published online: 29 December 2025 Keywords: Family, Individualism, Moral individualism, Nation-state, Religion, Social Solidarity	In societies where social cohesion is founded on established norms (organic solidarity), individualism is frequently analyzed as a consequence of the transition from an agricultural economy to an industrial economy and increased specialization. However, in societies like Iran that have undergone modernization through technological advancements and lifestyle transformations, individualism occupies a distinct position. The present article, through the analysis of writings, conversations, and interviews with socio-cultural specialists, investigates the development of individualism in order to examine its atypical and disordered condition. The research findings indicate that, on the one hand, individuals within nuclear families tend to move beyond the collective values linked to traditional life and the extended family, as well as religious values associated with communal living, instead prioritizing economic values or focusing on goals such as survival and progress. The notion of economic advancement in contemporary society can shape perceptions in a way that leads individuals to view others as rivals or impediments to progress. This is where individuals either uphold socio-religious values or align themselves with the “other” when that value or person is perceived as a source of benefit. Individuals in the modern world, when social norms are upheld during economic engagement, inevitably seek to foster organic social solidarity and social cohesion while simultaneously shaping their own identities. Conversely, in the absence of participation in economic production and when social rules are disregarded, individualism tends to become abnormal and disordered.

Cite this article: Naderi, A. (2025). Analysis of the Social Contexts of the Formation of Individualism in Iran. *Community Development (Rural-Urban)*, 17 (2), 267-282. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.402507.668945>



©Author(s) retain the copyright.

Publisher: University of Tehran.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.402507.668945>

تحلیل زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری فردگرایی در ایران

احمد نادری^۱۱. گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: anaderi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۱۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۸ کلیدواژه‌ها: دولت ملی، دین، خانواده، فردگرایی، فردگرایی اخلاقی، همبستگی اجتماعی.	در جوامعی که همبستگی اجتماعی براساس قوانین (همبستگی ارگانیک) صورت می‌گیرد، فردگرایی اغلب به‌عنوان حاصل تغییر تولید اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و تخصص‌گرایی بررسی می‌شود. بااین‌حال در جوامعی مانند ایران که مدرنیته را از طریق ورود فناوری و تغییر سبک زندگی تجربه کرده‌اند، فردگرایی وضعیت دیگری دارد. مقاله حاضر با تحلیل نوشتارها، گفتگوها و مصاحبه با متخصصان حوزه اجتماعی-فرهنگی، چگونگی شکل‌گیری فردگرایی را مطالعه و وضعیت ناهنجاری و نابسامانی آن را تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد افراد در خانواده هسته‌ای یاد می‌گیرند با تکیه بر ارزش‌های زندگی اقتصادی یا با در نظر گرفتن هدف بقای زندگی یا پیشرفت، از ارزش‌های جمعی وابسته به زندگی سنتی و خانواده گسترده و حتی ارزش‌های دینی وابسته به زندگی جمعی عبور کنند. مفهوم پیشرفت اقتصادی در جهان امروز به‌گونه‌ای می‌تواند اذهان را تحت تأثیر قرار دهد که افراد «دیگری» را رقیب یا مانع پیشرفت بدانند. در اینجا افراد در صورتی به ارزش‌های اجتماعی-دینی بها می‌دهند یا در کنار دیگری قرار می‌گیرند که آن ارزش یا فرد، ابزاری برای سودرسانی باشد. افراد در دنیای مدرن در صورت اجرای قوانین، در هنگام مشارکت اقتصادی، خواه‌ناخواه برای همبستگی اجتماعی ارگانیک و زندگی اجتماعی همراه با شکل‌بخشیدن به فردیت خود تلاش می‌کنند. در صورت نبود مشارکت برای تولید اقتصادی نیز با نادیده گرفتن قوانین اجتماعی، فردگرایی حالت ناهنجار و نابسامان پیدا خواهد کرد.

استناد: نادری، احمد (۱۴۰۴). تحلیل زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری فردگرایی در ایران. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۷ (۴)، ۲۶۷-۲۸۲.

<https://doi.org/10.22059/jrd.2025.402507.668945>

© نویسنده(گان) حق نشر را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.402507.668945>

۱. مقدمه

انسان با اینکه موجودی اجتماعی است، همواره خواهان تمایز و معنا دادن به رفتارهای خود نسبت به دیگران است. این تمایزخواهی به فرد امکان می‌دهد هویت شخصی خود را در مقابل دیگری یا اجتماع تعریف کند و جایگاه ویژه‌ای در جامعه بیابد. با این حال، جامعه نیز به آسانی اجازه نمی‌دهد که این تمایزخواهی آن‌چنان پررنگ شود که همبستگی اجتماعی و انسجام جمعی به خطر بیفتد. از منظر نسبیت فرهنگی، فردگرایی و جمع‌گرایی نه به صورت دوگانگی مطلق و متضاد، بلکه در بافت‌های فرهنگی به شکل‌های متفاوت و به صورت طیفی از رفتارها و نگرش‌ها ظاهر می‌شوند. این طیف می‌تواند از جوامع بسیار جمع‌گرا تا جوامع کاملاً فردگرا متغیر باشد. در جوامع جمع‌گرا یا فرهنگ شرم‌محور، افراد به شدت به گروه و هویت جمعی وابسته هستند و رفتارها، نگرش‌ها و تصمیمات فردی، تحت تأثیر نظر جمع و هنجارهای گروهی شکل می‌گیرند؛ به گونه‌ای که فرد معمولاً برای حفظ انسجام گروه، منافع شخصی خود را فدای منافع جمع می‌کند. در مقابل، جوامع فردگرا یا فرهنگ گناه‌محور، بر استقلال، آزادی شخصی و تمایز فردی تأکید دارند و افراد در این جوامع تلاش می‌کنند منافع و اهداف شخصی خود را دنبال کنند؛ هرچند این امر به معنای مخالفت با منافع جمعی نیست (بندیکت^۱، ۱۹۳۴: ۱۵۴). جمع‌گرایی و فردگرایی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای فرهنگی در جوامع بشری هستند. این مفاهیم فرهنگی به انواع عمودی و افقی نیز تقسیم می‌شوند. در جمع‌گرایی عمودی، جمع بر فرد تقدم دارد و سلسله‌مراتب و قدرت مرکزی قوی است؛ در حالی که در فردگرایی عمودی، رقابت بین فردی و تمایز اجتماعی تشویق می‌شود. همچنین جمع‌گرایی افقی بر هویت جمعی و برابری اعضا تأکید دارد و فردگرایی افقی بر خودشکوفایی و تمایز فردی تمرکز می‌کند (تریاندیس و گلفند^۲، ۱۹۹۸: ۱۱۹). با ورود به دوران مدرن، توسعه شهرها و تغییر ساختار تولید اقتصادی و روند جهانی‌شدن، تغییراتی در ساختار تعامل فرد و جامعه ایجاد شد. در این شرایط، جمع‌گرایی سنتی به تدریج کمرنگ شد و فردیت جایگاه بیشتری یافت، اما این فردیت نوین یا فردیت اخلاقی باید در چارچوب احترام به قوانین انتزاعی و نه صرفاً ارزش‌های جمعی در روابط نزدیک اجتماعی شکل می‌گرفت؛ زیرا بدون این چارچوب، همبستگی اجتماعی که لازمه تولید اقتصادی در دنیای مدرن است، به خطر می‌افتاد. فرد همراه با یادگیری قوانین انتزاعی، فردیت خود را در چارچوب کار اقتصادی شکل داد و با مشارکت در تولید اقتصادی، همبستگی اجتماعی در چارچوب دولت ملی نیز توسعه یافت. در اینجا افراد با استفاده از عقل ابزاری، خود را ملزم به اجرای قوانین انتزاعی می‌دانند (بودون، ۱۳۸۳: ۴۷). در مقابل در زندگی روزمره و اوقات فراغت، فرد می‌تواند با حرکت از مفاهیم مصرف‌گرایی و لذت‌جویی، نفع شخصی خود را بر نفع جمعی ترجیح دهد و با تمرکز بر سود اقتصادی بیشتر، حتی با رعایت قوانین انتزاعی در جهت همبستگی اجتماعی، با دیگری احساس همدلی نداشته باشد. این روند نشان‌دهنده پیچیدگی‌های فردگرایی در جوامع مدرن است که صرفاً به معنای استقلال فردی نیست، بلکه شامل تعادل میان هویت‌های متنوع و گاه متضاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود. در چنین جوامعی، فردگرایی با مصرف‌گرایی و لذت‌جویی پیوند خورده است (بندیکت، ۱۹۳۴: ۱۸۲).

وقتی افراد برای تأمین زندگی خود با مشکلات اقتصادی فراوان روبه‌رو هستند، نه تنها قادر به درک و اجرای قوانین انتزاعی و مشارکت اقتصادی نیستند، بلکه گاه تلاش می‌کنند از یک سو این قوانین را به‌خاطر مسئولیت خودشان در برابر بقای زندگی نادیده بگیرند و از سوی دیگر در راستای ورود فناوری و مدرنیته، سبک زندگی و رفتار خود را تغییر دهند. در چنین شرایطی، تغییر الگوی

خانواده از گسترده به هسته‌ای، به عنوان یک پل ارتباطی میان جمع‌گرایی سنتی و فردگرایی آنومیک عمل می‌کند تا افراد بتوانند مشکلات اقتصادی را تا حدی تحمل کنند (گیدنز، ۱۳۹۸: ۱۰۸-۱۱۱).

با ورود مدرنیته به ایران و تمرکز قدرت سیاسی، ساختار دولت ملی ایران، نیازمند بازتعریف همبستگی اجتماعی در چارچوب اهداف سیاسی شد؛ چرا که بسیاری از افراد، به دلیل محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی، قادر به مشارکت کامل در تولید اقتصاد صنعتی نبودند و از سوی دیگر نمی‌توانند به راحتی تابع الگوهای جمع‌گرایی سنتی باشند. با این حال، نگرش‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی افراد تحت تأثیر ارزش‌های مدرنیته و سیاست‌های جدید جهانی دچار تحول شده‌اند. دقیقاً در اینجا می‌بینیم خودشیفتگی، خودخواهی، خودپرستی و خودمحوری به جای فردگرایی اخلاقی یا اخلاق فردگرایانه در جامعه ایران در حال تقویت شدن است (اصغری، ۱۳۹۹: ۱۷). مهم‌ترین اصل تفاوت‌گذاری بین فردگرایی اخلاقی که پژوهشگران آن را متعلق به دنیای مدرن می‌دانند و فردگرایی خودخواهانه در این است که جوامع مدرن غربی با اینکه افراد احساس تعلق به ارزش‌های زندگی جمعی ندارند، از منظر اقتصادی، همبستگی اجتماعی را به خاطر مشارکت بالای اقتصادی و اجرای قوانین اجتماعی تجربه می‌کنند.

تعارض میان نفع فردی و نفع جمعی یا گرایش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه به عنوان «دوراهی اجتماعی» در رفتارهای اجتماعی ظهور می‌یابد (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۴۳). در ایران، مفهوم فردگرایی خودخواهانه بیشتر مورد توجه است و این موضوع چالش‌هایی را در تحلیل‌های اجتماعی ایجاد می‌کند (اصغری، ۱۳۹۹: ۲۷). برای بررسی فردگرایی در ایران باید به زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ناپایدار توجه کرد. این شرایط ناپایداری آینده‌نگری را میان کنشگران تضعیف می‌کند و به عنوان یک علقه فرهنگی در جامعه نهادینه می‌شوند؛ برای نمونه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ناپایدار، فرصت‌طلبی منفی و خودمداری (فردگرایی) نهادینه می‌شود (فراسخواه، ۱۴۰۰: ۱۰۵). زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ناپایدار، شرایط تنازع میان منافع فردی و منافع جمعی ایجاد کرد؛ به طوری که به رغم نوسازی دولتی، سایه یک فراساخت بر جامعه ایران همچنان مستولی است (همان: ۱۷۳) و بخش قابل توجهی از کنش‌های فردی و جمعی ایرانیان بر اساس چارچوب‌های تفسیری فردگرایانه شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، جمع‌گرایی به عنوان مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هایی تعریف می‌شود که افراد را به اولویت دادن منافع جمعی بر منافع شخصی ترغیب می‌کند و نهاد دین یکی از مهم‌ترین منابع تولید و بازتولید این ارزش‌ها است (نبوی، ۱۴۰۱: ۸). جمع‌گرایی با تمامی ابعاد دینداری ارتباط مثبت و معنادار دارد. با این حال دینداری در ایران معاصر به شکل پیچیده‌ای با فردگرایی و جمع‌گرایی در تعامل است (اعظم‌آزاده و توکلی، ۱۳۸۶). فردگرایی در ایران یک پارادوکس مدرن است؛ از یک سو محصول توسعه و تغییرات ساختاری است و از سوی دیگر، اگر به شکل افراطی و بدون چارچوب‌های اخلاقی و نهادی لازم رها شود، می‌تواند به عاملی برای تضعیف انسجام ملی تبدیل شود. مطالعه حاضر ضمن بررسی چگونگی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فردگرایی در جامعه ایران، به بررسی پیامدهای فردگرایی آنومیک (ناهنجارانه) بر همبستگی اجتماعی و ساختار دولت ملی می‌پردازد.

۲. پیشینه و مبانی نظری

مطالعات پیشین نشان می‌دهد فردگرایی در ایران در حال رشد است. نبوی (۱۴۰۱) در رصد فرهنگی با عنوان «فردگرایی و جمع‌گرایی در ایران: تحلیلی از وضعیت اخلاق اجتماعی»، فردگرایی را متناظر با اولویت نفع فردی یا شخصی بر منافع عمومی و مصالح جمع در نظر گرفت. روحیه فردگرایی در اثر رشد شهرنشینی و نیز جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ سرمایه‌داری، طی دوره دوم پهلوی دوم و جمهوری اسلامی بیش از پیش تشدید شده و فسادهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اداری، علمی و... از پیامدهای روحیه فردگرایی در جامعه است. در مطالعات شعبی (۱۴۰۰) مظاهر فردگرایی شامل استقلال فردی، خوداتر بخشی، خودشکوفایی، خودباوری و کسب سود

شخصی است که با همبستگی اجتماعی و تعلق اجتماعی رابطه معکوس دارد. به عبارتی فردگرایی موجب کاهش همبستگی اجتماعی می‌شود. صادقی فسایی و امینیان (۱۳۹۳) نشان می‌دهند فردگرایی با هنجارگرایی ارتباط معکوس دارد؛ یعنی با کاهش فردگرایی هنجارگرایی افزایش می‌یابد. جوادی‌یگانه و هاشمی (۱۳۸۷) در تقابل فردگرایی و جمع‌گرایی مفهوم دوراهی اجتماعی را به‌عنوان تبیینی جدید معرفی کردند. در نیمه دوم قرن بیستم فردگرایی افزایش می‌یابد و فردگرایی افراطی و بی‌توجهی به تحقق منافع فردی از طریق منافع جمعی به‌عنوان شاخص منفی مورد توجه قرار می‌گیرد. برمبنای مطالعات پیشین می‌توان گفت در جامعه ایران فردگرایی همراه با پیامدهایی است که انسجام اجتماعی و همگرایی ملی را تهدید می‌کند.

برای نزدیک‌شدن به مفهوم فردگرایی در جامعه ایرانی، ضروری است موقعیت انسان در بستر نهادهای کلیدی اقتصاد، دین و خانواده به‌دقت بررسی شود. فرایندهای مدرن‌شدن، جهانی‌شدن و شکل‌گیری دولت‌های ملی، شرایطی را فراهم کرده‌اند که همبستگی اجتماعی اهمیت بیشتری بیابد و فردگرایی باید در چارچوب این همبستگی تقویت شود. شکل‌گیری فردیت و فردگرایی در ایران، تحت تأثیر عوامل اقتصادی، سیاسی و تغییرات ساختاری نهاد خانواده، چندوجهی و پیچیده است. در همین راستا نظریه‌های مرتبط با فردگرایی در بستر اقتصادی، سیاسی و تغییرات ساختاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. دورکیم: فردگرایی اخلاقی در جامعه مدرن

دورکیم در تحلیل خود از تقسیم‌کار اجتماعی، گذار از جامعه سنتی به مدرن را همراه با افزایش فردگرایی می‌داند؛ به‌طوری‌که در جامعه سنتی یک همبستگی مکانیکی بین افراد جامعه وجود دارد و در جامعه مدرن جامعه به همبستگی ارگانیک می‌رسند، در جامعه مدرن هویت‌های فردگرا برای برآورده‌کردن اهداف جامعه صنعتی به همبستگی می‌رسند. دورکیم مفهوم فردگرایی اخلاقی را به‌عنوان نوعی فردگرایی متعادل معرفی می‌کند که در آن فرد ضمن حفظ استقلال و آزادی فردی، مسئولیت‌های اجتماعی و تعهدات اخلاقی خود را نسبت به جامعه به رسمیت می‌شناسد. این فردگرایی اخلاقی اساس همبستگی ارگانیک است که در آن افراد به‌واسطه تخصصی‌شدن نقش‌ها و وابستگی متقابل، به هم پیوند خورده‌اند (دورکیم، ۱۹۸۴: ۱۲۲). از منظر دورکیم اگر فردگرایی به سطح یک نظام اخلاقی برسد قابل‌پذیرش است، در مقابل دورکیم با مفهوم فردگرایی مبتنی بر لذت‌جویی مخالف بود. نظام اخلاقی که محور آن فرد باشد موجب می‌شود که فرد علایق خود را کنترل کند. هیچ راهی برای ازبین‌بردن فردگرایی در جامعه مدرن (جامعه با همبستگی ارگانیک) نیست، لذا بجای مخالفت با آن تلاش شود آن را به سطح یک نظام اخلاقی فردی ارتقا داد (ریتزر، ۱۴۰۱: ۹۲). دولت به‌عنوان وجدان جمعی سازمان‌یافته، نهادی است که منافع عمومی و بلندمدت جامعه را در نظر می‌گیرد. نقش اصلی دولت ملی در جامعه ارگانیک، حمایت و تضمین فردگرایی اخلاقی است. دولت از طریق قانون‌گذاری و سیستم قضایی، از حقوق فردگرایی اخلاقی دفاع می‌کند (دورکیم، ۱۹۸۴: ۸۲). درواقع بدون وجود یک دولت مقتدر ملی، فردگرایی می‌تواند به آنومی (بی‌هنجاری) منجر شود.

۲-۲. وبر: فردگرایی به‌مثابه عقلانیت ابزاری

مدرنیته با عقلانی‌شدن زندگی اجتماعی همراه است که موجب افول نقش دین در تبیین جهان می‌شود. اخلاق پروتستانی و ظهور سرمایه‌داری مدرن، فردگرایی را از طریق تأکید بر مسئولیت شخصی و موفقیت اقتصادی تقویت کرده است. درواقع صنعتی‌شدن و بوروکراسی، عقلانیت ابزاری را جایگزین ارزش‌های جمع‌گرایانه سنتی کردند (وبر، ۱۹۰۵: ۱۳۹).

۲-۳. گیدنز: فردگرایی، سرنوشت مدرنیته متأخر

فردگرایی نه صرفاً به عنوان یک ایدئولوژی، بلکه به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی جامعه مدرن و نتیجه فرایندهای گسترده‌تر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در عصر مدرن فهمیده می‌شود. در جوامع مدرن، سنت‌ها قدرت خود را از دست داده‌اند. زندگی دیگر براساس عادات و رسوم پیشینی شکل نمی‌گیرد، بلکه به‌طور مستمر باید در پرتو اطلاعات جدید، بازبینی و ارزیابی شود و تغییر کند. در جوامع مدرن، ساختارهای سنتی (مانند خانواده، مذهب، و هنجارهای اجتماعی ثابت) تضعیف شده‌اند. این امر به افراد آزادی بیشتری می‌دهد تا هویت و سبک زندگی خود را انتخاب کنند، اما هم‌زمان آن‌ها را با عدم قطعیت و اضطراب مواجه می‌سازد. گیدنز مدرنیته را به عنوان یک نیروی دگرگون‌کننده اجتماعی تحلیل می‌کند که فردگرایی را از طریق فرایندهای «بازاندیشی» و «جدا شدن از سنت» تقویت می‌کند (گیدنز، ۱۹۹۰: ۱۸-۲۰). فردگرایی یک انتخاب ساده نیست، بلکه سرنوشت اجتناب‌ناپذیر انسان در شرایط مدرنیته متأخر است. این فرایند، فرد را به سوژه‌ای فعال تبدیل می‌کند که ناگزیر است دائماً درمورد سبک زندگی، روابط، عقاید و هویت خود تصمیم‌گیری کند. این امر اساس فردگرایی مدرن است (گیدنز، ۱۹۹۱: ۸۱).

۲-۴. روستاین: فردگرایی انسجام‌گرا با مسئولیت اجتماعی

شهروندی با ذهنیت فردگرا ضرورتاً شهروندی خودخواهی نیست و فردگرایی جدید کنش جمعی و دولت رفاه فراگیر را تضعیف نمی‌کند. فردگرایی-جمع‌گرایی و دگرخواهی-خودخواهی بازنمایی‌کننده طیفی متمایز و تا اندازه‌ای مستقل از ارزش‌ها هستند. به این ترتیب فردگرایی جدید حامل ارزش‌های نولیبرال‌ها نیست. امروزه در غرب با نوعی از فردگرایی انسجام‌گرا مواجه هستیم. به این معنا که افراد می‌خواهند از دیگران حمایت کنند، اما می‌پذیرند که ارزش‌های دیگر و متفاوتی دارند و می‌خواهند وارد امور دیگری شوند. با این حال این حمایت منوط به آن است که بدانند بقیه شهروندان نیز از سبک زندگی و تلاش‌های سازمانی متفاوت آن‌ها حمایت می‌کنند. به عبارتی استقلال فردی و مسئولیت اجتماعی توأمان هستند (روستاین، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

۲-۵. تیلور: فردگرایی مدرن، دوراهی اخلاقی

فردگرایی مدرن یک دوراهی اخلاقی یعنی دستاورد بزرگ و تهدید جدی است. تیلور نگران است که فردگرایی مدرن به نسبی‌گرایی اخلاقی منجر شود که در آن، هر کس فقط به ارزش‌های شخصی خود پایبند است و هیچ معیار جمعی برای قضاوت اخلاقی وجود ندارد. هسته مرکزی فردگرایی مدرن، فرهنگ اصالت است؛ یعنی هر فردی مسیر زندگی منحصر به فرد خود را دارد و مطابق با آن زندگی می‌کند. اخلاق اصیل در جامعه مدرن به سه شکل منحنی شده است: الف) تمرکز افراطی بر خود و قطع ارتباط با دیگران و جامعه؛ ب) تبدیل همه چیز (طبیعت، جامعه و حتی انسان‌ها) به ابزاری برای اهداف فردی که به افول ارزش‌های کیفی و معنوی منجر می‌شود؛ پ) وقتی افراد به زندگی خصوصی خود پناه می‌برند، قدرت خود را برای اثرگذاری بر جامعه و حکومت از دست می‌دهند (تیلور، ۱۹۹۱: ۲-۴).

۲-۶. پاتنام: فردگرایی و انسجام اجتماعی

در چند دهه اخیر، جوامع غربی شاهد گذاری از جامعه با سرمایه اجتماعی بالا به سوی جامعه مبتنی بر فردگرایی انزواطلب بوده‌اند. درواقع تغییرات فناورانه، تضعیف نهادهای سنتی، تغییر سبک زندگی و ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی در جامعه مدرن موجب افزایش فردگرایی می‌شود. افزایش فردگرایی در جوامع مدرن سبب کاهش مشارکت مدنی، تضعیف اعتماد اجتماعی و فروپاشی همبستگی

جمعی شده است. پاتنام با داده‌های تجربی نشان می‌دهد کاهش عضویت در نهادهای دینی (کلیساها) با افزایش فردگرایی و کاهش اعتماد اجتماعی مرتبط است. او استدلال می‌کند که افراد به‌جای مشارکت در نهادهای دینی، به شبکه‌های شخصی و سبک‌های زندگی فردگرایانه روی آورده‌اند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۹۸-۱۱۵).

۲-۷. باومن: فردگرایی سرنوشت مدرنیته سیال

باومن گذار از مدرنیته جامد به مدرنیته سیال را مطرح می‌کند. در مدرنیته جامد، ساختارهای اجتماعی پایدار، نهادها (مانند دولت-ملت، اتحادیه‌ها، خانواده سنتی) ماندگار و الگوهای زندگی قابل‌پیش‌بینی بودند. در این دوره، فردگرایی تا حدی توسط این ساختارها مهار و هدایت می‌شد. در مدرنیته سیال، فردگرایی به‌صورت یک اجبار اجتماعی درمی‌آید و روابط اجتماعی سست می‌شوند. فردگرایی در عصر حاضر نه‌تنها یک ارزش یا انتخاب شخصی، بلکه نتیجه تحولات ساختاری در اقتصاد، فرهنگ و روابط اجتماعی است که به سیالیت و بی‌ثباتی زندگی معاصر دامن می‌زند. فردگرایی به آزادی واقعی منجر نمی‌شود، بلکه به منبعی از اضطراب، عدم امنیت و احساس ناتوانی تبدیل شده است (باومن، ۲۰۰۰: ۲۶).

۲-۸. سریع‌القلم: فردگرایی و توسعه

سریع‌القلم فردگرایی و مدرنیته را ضرورت اجتناب‌پذیر قلمداد می‌کند. از دیدگاه او، فردگرایی در عصر مدرن به دو بعد فردگرایی منفی (سلفیسم، خودخواهی) و فردگرایی مثبت (استقلال فردی به همراه مسئولیت‌پذیری اجتماعی) تقسیم می‌شود. فردگرایی مثبت پایه توسعه سیاسی و اجتماعی است (سریع‌القلم، ۱۳۹۶: ۲۲۰).

به‌طور کلی نظریه‌های فردگرایی را می‌توان در یک طیف از «فردگرایی به‌مثابه تهدید» تا «فردگرایی به‌مثابه فرصت و ضرورت» دسته‌بندی کرد: ۱. فردگرایی به‌مثابه تهدیدی برای انسجام اجتماعی: این دیدگاه بر پیامدهای منفی فردگرایی افراطی و خودمحور تأکید دارد؛ به‌طوری‌که بر آن است که فردگرایی معاصر به کاهش مشارکت مدنی، تضعیف اعتماد اجتماعی و فروپاشی همبستگی جمعی منجر می‌شود. در این رویکرد، فردگرایی در معرض انحراف به‌سوی خودمحوری افراطی، عقلانیت ابزاری (تبدیل همه چیز به وسیله) و کناره‌گیری از عرصه عمومی قرار دارد؛ ۲. فردگرایی به‌مثابه یک ضرورت مدرن که نیاز به مدیریت دارد: این دیدگاه فردگرایی را به‌عنوان ویژگی اجتناب‌ناپذیر جامعه مدرن می‌پذیرد، اما بر لزوم هدایت و مهار آن در چارچوبی اخلاقی و اجتماعی تأکید می‌ورزد. در این رویکرد، از بین بردن فردگرایی در جامعه مدرن غیرممکن است؛ بنابراین باید آن را به فردگرایی اخلاقی یا فردگرایی مثبت ارتقا داد؛ نوعی از فردگرایی که در آن، فرد هم استقلال دارد و هم مسئولیت‌های اجتماعی خود را می‌پذیرد. دولت ملی نقشی کلیدی در حمایت از این فردگرایی متعادل و جلوگیری از فروپاشی به آنومی دارد؛ ۳. فردگرایی به‌مثابه امری مستقل از خودخواهی: این دیدگاه تأکید دارد که فردگرایی لزوماً به معنای خودخواهی و تضعیف کنش جمعی نیست. می‌توان شکلی از فردگرایی داشت که در آن افراد به ارزش‌های متفاوت یکدیگر احترام می‌گذارند. در عین حال حاضرند از یکدیگر و نهادهای جمعی (مانند دولت رفاه) حمایت کنند، به شرطی که اعتماد متقابل وجود داشته باشد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

برای مطالعه نحوه شکل‌گیری فردگرایی در ایران در این پژوهش، از روش کیفی با تأکید بر تحلیل گفتارها و مصاحبه‌های متخصصان استفاده شد. مصاحبه به‌عنوان ابزار کلیدی گردآوری داده‌های کیفی، عبارت است از گفت‌وگوی هدفمند بین پژوهشگر و

مشارکت‌کننده به‌منظور کشف تجارب، ادراکات و تفسیرهای افراد درباره یک پدیده خاص (برینکمن و کاله، ۲۰۰۹). مصاحبه با پژوهشگران، دیدگاه‌های نظری و تحلیلی متنوعی را درباره ساختارهای اجتماعی ایران ارائه می‌دهد. از همین رو ده نوشتار و متن مصاحبه عمیق با ذی‌نفعان و کارشناسان اجتماعی مورد تحلیل مضمونی قرار گرفت. نام مصاحبه‌شوندگان در بخش یافته‌ها در ضمن دیدگاه‌ها ذکر شده است. روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند است. در این نمونه‌گیری، تأکید بر مضمون‌ها است. به عبارتی مصاحبه‌ها با ذی‌نفعان تداوم می‌یابد تا داده‌ها به حدنصاب یا مضمون‌ها به اشباع برسند. روش تحلیل داده‌ها تماتیک (مضمونی) است. ابتدا متن مصاحبه‌ها به‌دقت خوانده و بخش‌های مرتبط با موضوعات فردگرایی، جمع‌گرایی، ساختار اقتصادی و... استخراج شدند تا الگوها، مفاهیم کلیدی و روابط میان آن‌ها شناسایی شود. برای دستیابی به اعتبار و پایایی پژوهش، از راهبردهای بازبینی توسط هم‌تایان و انتخاب مشارکت‌کنندگان متنوع متخصص حوزه فردگرایی، حفظ گام‌به‌گام مستندات، مراجعه مداوم رفت‌وبرگشتی به نظریه و محتوای مصاحبه و مثلث‌سازی محتوا استفاده شد.

۴. یافته‌های پژوهش

بعد از خوانش مصاحبه‌های مکتوب و مقوله‌بندی عناصر هر مصاحبه، تحلیل نهایی مصاحبه‌ها براساس مقوله‌های پایه زیر صورت گرفت. در ادامه مقوله‌های هسته به همراه تحلیل‌های زیرمجموعه آن‌ها بیان می‌شود.

۴-۱. شکل‌گیری دولت ملی، چالش‌های اقتصادی و فردگرایی در ایران

ایده ساخت دولت ملی و بازار جهانی، موجب کاهش احساس تعلق افراد به گروه‌های اجتماعی کوچک شد. در این حالت، همبستگی و انسجام اجتماعی از طریق تطبیق با قوانین بازار و حقوق شهروندی حاصل می‌شد. درست است که جوامع غیرغربی مثل ایران قادر نبودند همراه با ورود مدرنیته با حرکت از تولید اقتصادی صنعتی وارد بازار جهانی شوند، اما خواه‌ناخواه افراد احساس تعلق خود را نیز به گروه‌های اجتماعی کوچک به‌خاطر ورود فناوری و تغییر ساختاری تولید کشاورزی از دست دادند. در اینجا، هم افراد برای بقای زندگی با مشکلات اقتصادی روبه‌رو شدند و هم ساختار سیاسی، شکل‌گیری دولت ملی و ایجاد همبستگی اجتماعی، دچار مشکلات اساسی شد. کارشناسان اجتماعی-فرهنگی در مصاحبه‌ها به چگونگی شکل‌گیری فردگرایی در ایران اشاره می‌کنند. ابتدا و بیشتر از همه تأکید آن‌ها بر مشکلات اقتصادی است و اینکه مدیران سیاسی نتوانستند موقعیتی فراهم کنند تا افراد اعتماد اجتماعی را برای فهم هویت ملی و سرمایه اجتماعی بین گروهی احساس کنند. در نتیجه فردگرایی را در خود تقویت می‌کنند. در همین زمینه میرزایی توضیح می‌دهد: «وضعیتی که در آن، نظام اجتماعی و نظام سیاسی کارویژه‌های خود را به‌خوبی نتواند انجام دهد، باعث پی‌جویی منافع شخصی برای حل مسائل و در نتیجه افزایش بیش‌ازحد فردگرایی خودخواهانه خواهد شد»، «دقیقاً در گذشته افراد، در برابر زندگی اقتصادی خویش، مسئولیت بیش‌ازحد فردی را به‌خاطر زندگی جمعی و جمع‌گرایی افقی تجربه نمی‌کردند. در اینجا است که تعادل اجتماعی به هم می‌خورد و افراد برای اینکه بتوانند مشکلات خود را حل کنند، حاضرند دست به هر کاری بزنند. در این مهلکه، انصاف، اخلاق، عقلانیت و... رخت برمی‌بند و نمی‌توانید از جامعه‌ای که دچار این وضعیت است، یعنی دچار ره‌اشدگی است، انتظار قواعد اخلاقی و تنظیم‌شده داشته باشید» (میرزایی). «تضاد کارکردهای اجتماعی ساختار جامعه و هویت متضاد اعم از سبک زندگی سنتی تا شیوه امر ملی (سنت و مدرن) به سرگردانی و آنومی اجتماعی منجر شده است و در دل این علت کلان، فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی به مثابه دو علت پیشران قانون‌گریزی عمل کرده‌اند» (عشایری).

این موضوع را باید در نظر گرفت که همراه با توسعه مدرنیته، جهانی‌شدن بازار اقتصاد و شکل‌گیری ایده دولت‌های ملی، فردگرایی با مفهوم آزادی نیز پیوند خورد. مهم‌ترین ویژگی مدرنیته وابسته به مفهوم عقلانیت و حقوق انسان‌ها است: «عقلانیت به این معنی است که انسان‌ها تلاش می‌کنند تا از ویژگی‌هایی مثل تبعیت، تقلید و عادات عصر سنت فاصله بگیرند و وارد دوره‌ای بشوند که در آن فرض بر این است که انسان‌ها حتماً عقلانی عمل خواهند کرد. بعد از مدرنیته بوده که حقوق انسان‌های عادی مهم در نظر گرفته شده است» (مرشدی‌زاد).

همراه با توسعه اقتصادی و ساخت دولتی ملی در جوامع غربی، شکل‌گیری فردیت اخلاقی با حرکت از مفهوم عقلانیت و حقوق شهروندی بوده است؛ زیرا جامعه نیازمند کار انسان‌های عادی و رعایت قوانین اجتماعی و بازار بوده است، اما جوامع غیرغربی بدون توسعه اقتصادی ملی ناچار بوده‌اند همراه با ورود مدرنیته، مرزهای سیاسی خود را نیز در چارچوب دولت ملی مشخص کنند. علاوه بر این تأکید بر سیاست‌های نئولیبرالیسم توسط جوامع غیرغربی از جمله ایران، موانع شدیدتری برای رسیدن به توسعه اقتصادی ایجاد می‌کند؛ زیرا علاوه بر رواج مصرف‌گرایی و شکاف طبقاتی، اجازه نمی‌دهد تمام قشرها در تولید اقتصادی مشارکت کنند. در همین راستا فردگرایی آنومیک (جست‌وجوی منافع شخصی بدون پشتوانه و حمایت اجتماعی) فراگیر خواهد شد. در همین راستا پژوهشگران اجتماعی که با آن‌ها مصاحبه شد، همه در شکل‌گیری فردگرایی سودجویانه در ایران توافق دارند: «ما نظام توتالیتر نداریم. اما حزب هم نداریم. در نتیجه فردگرایی در این جامعه به سودجویی بی‌حد و حصر تبدیل می‌شود و شاهد انسان‌هایی هستیم که اهمیت و اولویت منافع شخصی‌شان به حد اعلا می‌رسد و عرصه عمومی و اجتماع برای این افراد بی‌معنا می‌شود، جامعه خلع سلاح می‌شود و هر کس به دنبال منافع خودش می‌رود. اگر قرار است کاری به صورت جمعی انجام بگیرد، یا در شکل شورش در وضعیت اضطرار است یا به صورت برانگیختگی از سوی حکومت به شکل مشارکت منفعلانه که آن هم هیجانی و احساسی یا مبتنی بر منفعت یا رانت است» (مرشدی‌زاد).

۴-۲. زندگی جمعی سنتی در تقابل با ارزش‌های دینی و فردیت اخلاقی

با توسعه مدرنیته، ساختارهای همبستگی اجتماعی که بر پایه خون و ارزش‌های دینی شکل گرفته بودند، به چالش کشیده شدند. انسان مدرن در صورتی احساس تعلق به جمع می‌کند که بتواند در بازار جهانی با قوانین انتزاعی و غیرشخصی آن مشارکت کند. این تغییرات برای جوامع غیرغربی که نتوانسته‌اند به راحتی توسعه اقتصادی صنعتی را با وجود تغییرات ساختاری اقتصاد سنتی‌شان تجربه کنند، چالش‌های جدی به همراه داشته است. در این جوامع، فردگرایی به عنوان نوعی فردگرایی ناسازگار با ارزش‌های دینی و زندگی جمعی سنتی شکل گرفته است. افراد در این جوامع به دلیل ناتوانی در مشارکت اقتصادی صنعتی و نبود حمایت‌های اجتماعی، ناچارند مسئولیت زندگی خود را به تنهایی بپذیرند. امروزه وابستگی صرف فرد به گروه اجتماعی‌اش، چه از لحاظ اقتصادی و چه عاطفی، کاهش یافته است. هنگامی که افراد نتوانند براساس باورهای مشترک، احساس تعلق به خانواده یا گروه اجتماعی بزرگ‌تر داشته باشند، ممکن است برای معنای زندگی خود به گروه‌های جدیدی با باورهای متفاوتی از جامعه گرایش پیدا کنند. درباره جامعه ایران صادق نیا پژوهشگر دینی گفت: «بیشتر کسانی که متمایل به معنویت‌های جدید شده بودند، می‌گفتند رابطه ما با خانواده‌مان تیره‌وتر شده بود. اساساً خانواده‌ای نداشتیم و با گروه همکاران و شهروندان خودمان پیوندی نداشتیم و احساس تعلق به جامعه را از دست داده بودیم. به همین دلیل سراغ گروه‌های معنوی و مذهبی رفتیم که بتوانیم با آن‌ها یک گروه اجتماعی جدید تأسیس کنیم و آن‌ها هم ما را با همه خصوصیات اخلاقی و رفتاری‌مان بپذیرند. این همان چیزی است که من اسم آن را فردگرایی می‌گذارم» (صادق‌نیا).

در جامعه ایران، از یک سو به باور برخی از متفکران و پژوهشگران اجتماعی با تأکید به بعد اخلاق، مناسک دین، باور به شرکت نکردن افراد در مناسک دینی و نادیده گرفتن زندگی جمعی براساس دین در حال کمرنگ شدن است، اما برخی از متفکران با تأکید بر بعد وجودی، انسانی و تجربی دین باور دارند افراد از خلال دین در حال شکل دادن به هویت فردی خود هستند. در همین زمینه میرزایی می گوید: «اگر از من بپرسید اسلام دین فردگرایانه است یا جمع‌گرایانه، اگر مجبور به انتخاب یکی باشم می‌گویم فردگرایانه است. هرچند بسیاری از مناسک دینی تجلی جمعی دارند و توصیه‌های مؤکدی بر جمع و جماعت شده است، ولی درنهایت فرد مسئول و پاسخگوست. در آیات بسیاری از قرآن این مطلب وجود دارد. البته تأکید می‌کنم که این‌ها دو سر طیف نیستند که بگوییم یا فرد باشد یا جمع. آن چیزی که مطلوب دین است، دقیقاً فردگرایی افقی یا فردگرایی اخلاقی و جمع‌گرایی افقی یا جمع‌گرایی اخلاقی است» (میرزایی). «دقیقاً با یک دینداری کولاًژ شده یا یک لحاف چهل‌تکه معنوی و اخلاقی مواجهیم که هر تکه آن از جایی گرفته شده است. در همین ایران آدم‌هایی داریم که هم نماز می‌خوانند و هم یوگا می‌روند. یا آدم‌هایی داریم که اعتقاد عملی به دین ندارند. در عین حال باور دینی دارند...» (نجاتی حسینی).

هنگامی که فرد هدفش را زندگی منافع شخصی بگذارد، به دین نیز به عنوان ابزاری برای رشد یا سود خود بدون در نظر گرفتن دیگری و اجتماع بزرگ‌تر یا حتی ارزش‌های عملی دین یا مناسک جمعی نگاه می‌کند؛ زیرا افراد بیشتر در زندگی روزمره به دنبال فهم و معنای زندگی شخصی خود هستند تا اینکه بخواهند از خلال باورهایشان یا انجام مناسک، به گروه اجتماعی بزرگ‌تر احساس تعلق کنند؛ بنابراین از یک سو با افرادی روبه‌رو هستیم که برای معنای زندگی خود از مفاهیم ادیان نوظهور استفاده می‌کنند. از سوی دیگر افرادی هستند که با دین سنتی برخوردهای شخصی می‌کنند. از نظر صادق‌نیا، پژوهشگر دین، این افراد دچار دین متلاشی هستند که از بی‌دینی هم می‌تواند خطرناک‌تر باشد. صادق‌نیا می‌گوید: «یک موقع شما با کسی طرف هستید که می‌گوید بی‌دین هستم. خود این بی‌دینی ممکن است اخلاقی داشته باشد. ولی دین متلاشی اخلاقی ندارد. یک آنومی و یک ارزش اینجا حاکم است که بر هیچ اصلی از دین توافقی وجود ندارد. ممکن است ده سال دیگر با یک جماعت پنجاه میلیون نفری روبه‌رو باشید که همه بگویند ما شیعه هستیم، اما نتوانید یک باور مشترک بگذارید وسط که آن‌ها بر این باور توافق داشته باشند. این وضعیت باعث می‌شود که بقای جامعه تهدید شود» (صادق‌نیا). با وجود تغییر ساختار قدرت سنتی در جامعه ایران و مسئولیت اقتصادی افراد در چارچوب خانواده هسته‌ای، هنوز ارزش‌های جمعی قومی-طایفه‌ای (سنت‌ها) نفوذ دارند و به راحتی نمی‌توانند تمایزات فردی را بپذیرند. در اینجا خانواده هسته‌ای نقش اساسی دارد که آیا به عنوان پل ارتباطی بین فرد و زندگی جمعی عمل می‌کند یا بستری برای مجاز شمردن جست‌وجوی منافع شخصی افراد می‌شود: «یکی از چیزهایی که در جامعه امروز ایران آزاردهنده شده، رشد نکردن تمایز یافتگی است؛ مثلاً فرزند خانواده هدفی را برای خودش تعریف کرده و می‌خواهد آن هدف را دنبال کند، ولی پدر خانواده می‌گوید باید مسیری را بروی که من می‌گویم. در این جامعه تمایز یافتگی وجود ندارد و این باعث تعارض در آدم‌ها می‌شود.» وقتی در جامعه‌ای تمایز یافتگی وجود نداشته باشد و حمایت‌های اجتماعی-خانوادگی به عنوان دخالت از سوی جوانان درک شود، افراد با احساس ناامنی اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. در این زمینه جواهری محمدی می‌گوید: «وقتی آدم‌ها احساس ناامنی می‌کنند، نمی‌توانند به دیگری فکر کنند؛ مثلاً فردی با طرحواره محرومیت هیجانی مدام درگیر این پرسش است که آیا کسی او را دوست دارد یا نه. کسانی که ناامنی روانی دارند، شبیه آدم‌های در حال غرق شدن هستند که تنها به فکر نجات خودشان هستند» (جواهری محمدی).

بنابراین، در جامعه‌ای که افراد نه از سوی خانواده و گروه‌های اجتماعی برای شکل‌دهی فردیت خود حمایت می‌شوند و نه ساختار سیاسی-اقتصادی زمینه‌ای برای ایجاد همبستگی مکانیکی و اجتماعی فراهم می‌کند، شکل‌گیری فردیت اخلاقی دشوار می‌شود و افراد قادر نخواهند بود براساس ارزش‌های دینی، مسئولیت همدلانه به زندگی جمعی را در خود پرورش دهند.

۴-۳. تغییرات ساختاری و شبکه‌ای شدن فردگرایی

هنگامی که افراد لذت‌جویی را بر همدلی با دیگری ترجیح دهند، احساس ناامنی اجتماعی افزایش می‌یابد؛ چرا که تعلق خود به جامعه را از دست می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی نیز بستری برای هویت‌یابی مجازی فراهم کرده‌اند. به گفته تورکل، افراد در این فضاها می‌توانند هویتی متفاوت با واقعیت روزمره خود بسازند و این بازنمایی مجازی، به‌ویژه در زمینه نقش‌ها و هویت‌های جنسی، بر رفتارهای واقعی آنان تأثیر می‌گذارد. باومن نیز معتقد است رسانه‌های اجتماعی نگرش‌ها و رفتارهای جنسی را تغییر و روابط انسانی را به سمت سیالیت سوق داده‌اند. در مصاحبه چه با پژوهشگران اجتماعی و چه افراد عادی به نتیجه رسیدیم که فضای اینترنت موقعیتی فراهم کرده که افراد به دنبال خواسته‌های خود بدون در نظر گرفتن دیگری باشند. در این زمینه شاه‌قاسمی توضیح می‌دهد: «کسی که اکانتی در شبکه‌های اجتماعی دارد، پیداست که فرد جمع‌گرایی است و حرفی برای گفتن با جمع دارد، اما معتمد نوعی از فردگرایی به شکل بیمارگونه به شدت در شبکه‌های اجتماعی حاکم است که گرچه با فردگرایی در زندگی واقعی تفاوت دارد، ولی بیشتر از آنکه امتداد جمع‌گرایی باشد دارای وجه فردگرایانه بسیار قوی‌تر است؛ به دلیل اینکه فردگرایی با ذهنیت ارتباط خیلی نزدیکی دارد. ذهنیت یعنی اینکه من کارها را آن‌طور که دلم بخواهد انجام می‌دهم و این میل به سوژگی یکی از مهم‌ترین امیال در ایجاد فردگرایی در جوامع مدرن بوده است» (شاه‌قاسمی). «گرچه فردگرایی شبکه‌ای محصول مکان‌زدایی از ارتباطات است، ارتباطات مشدد در عصر اینترنت این توهم را ایجاد کرده است که فرد می‌تواند همه جا باشد، اما این «همه جا» معنای دیگری دارد: «هیچ جا». این موضوع ممکن است فردگرایی شبکه‌ای را به فردگرایی مشدد یا بیش‌فردگرایی تبدیل کند» (شعبانی).

۴-۴. تغییرات در ساختار و کارکرد خانواده و فردگرایی

دنیای مدرن خانواده را به‌صورت ساختاری در تمام جهان تغییر داده است. هرچند خانواده ایرانی از گسترده به هسته‌ای تغییر یافته، اما همچنان در چارچوب خانواده است که سرعت شکل‌گیری فردگرایی آنومیک تا حدی با اتکا به ارزش‌های سنتی، فرهنگی و دینی کاهش می‌یابد؛ زیرا افراد به‌خاطر مشکلات اقتصادی-اجتماعی به راحتی نمی‌توانند از خانواده مستقل شوند و ناچارند همان‌طور که در چارچوب خانواده هسته‌ای با مشکلات اقتصادی و نبود حمایت‌های اجتماعی سنتی و مدرن مقابله می‌کنند، تا اندازه زیادی به ارزش‌های جمعی هم احترام بگذارند. در همین راستا بعضی پژوهشگران اجتماعی باور به سرمایه اجتماعی بالا در ایران دارند و گروهی نیز به نبود اعتماد اجتماعی تأکید می‌کنند، اما بعضی از پژوهشگران، از جمله غفاری، به سرمایه اجتماعی بالا در خانواده اشاره می‌کنند. به بیان غفاری: «سرمایه اجتماعی در سطح خانواده بالاست، اما وقتی از آن فاصله می‌گیریم، سرمایه اجتماعی ما خرد می‌شود و این مسئله اثر خود را در بخش‌های مختلف می‌گذارد» (غفاری). با این حال، اگر جامعه نتواند هم‌زمان با رشد فردگرایی، همبستگی اجتماعی عام را تقویت کند، افراد ناگزیر به بازتعریف اعتماد اجتماعی به شکل خاص‌گرایانه خواهند بود: «فردگرایی منفی که خودخواهانه، محدود و خودنگر است، موجب اعتماد خاص‌گرایانه می‌شود نه اعتماد عام‌گرایانه» (همان). «فردگرایی را بایستی در ابتدا در مدل خانواده هسته‌ای جست‌وجو کرد؛ زیرا خانواده هسته‌ای بهترین عرصه ظهور فردگرایی است و در آن افراد فارغ از انگیزه‌های جمعی، تنها براساس علاقه و امیال فردی تصمیم می‌گیرند. این فردگرایی طبیعتاً بر کارکردهای خانواده نیز اثرگذار است»

(زارعان). «دقیقاً با تغییر کارکردهای خانواده، چالش‌های اقتصادی و وجود رسانه و اینترنت، تغییراتی در خانواده هسته‌ای هم به وجود می‌آید که در حال حاضر با نرخ بالای طلاق و خانواده‌های تک‌نفره و دونفره در ایران مواجه هستیم» (همان).

جامعه ایران از یک سو با وجود نبود تمایز فردی، در حال تجربه فردگرایی آنومیک است و از سوی دیگر در خلأ نبود اعتماد اجتماعی عام، تلاش می‌کند به شکلی متفاوت با گذشته، به خصوص در چارچوب خانواده، اعتماد خاص‌گرایانه را تجربه کند. این وضعیت نشان‌دهنده بحران عمیق در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است که مانع شکل‌گیری سرمایه اجتماعی گسترده و همبستگی فراگیر می‌شود. در چنین شرایطی، افراد بیشتر به روابط محدود و بسته خانوادگی یا گروه‌های کوچک اجتماعی پناه می‌برند و اعتماد خود را به آن‌ها معطوف می‌کنند؛ درحالی‌که به جامعه بزرگ‌تر و نهادهای رسمی بی‌اعتماد باقی می‌مانند. این روند، علاوه بر تضعیف انسجام اجتماعی، زمینه‌ساز افزایش فردگرایی سودجویانه و کاهش مشارکت جمعی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌شود.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی چگونگی شکل‌گیری فردگرایی در ایران پرداخت؛ موضوعی که در بستر پیچیده‌ای از تحولات مدرنیته، تغییرات ساختاری خانواده، نقش دین، عملکرد دولت ملی و تأثیرات رویکرد نئولیبرالیسم قابل تحلیل است. یافته‌ها نشان می‌دهد مطابق رویکرد نظری پاتنام، فردگرایی در ایران بیشتر به صورت فردگرایی به مثابه تهدید و ناشی از نبود انسجام اجتماعی و مشارکت اقتصادی بروز می‌کند. جامعه ایران در میانه گذار پیچیده و پرتنش از سنت به مدرنیته قرار دارد. شکل‌گیری دولت ملی و ادغام ناقص در بازار جهانی، بدون پشتوانه یک توسعه اقتصادی صنعتی پایدار موجب فروپاشی ساختارهای سنتی همبستگی (مانند خانواده گسترده، گروه‌های قومی و دینی) شده است، بدون آنکه جایگزین مدرن و کارآمدی برای آن ایجاد کند. این وضعیت، بحران‌های عمیقی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و هویتی به وجود آورده است. این نوع فردگرایی که فاقد پشتوانه اخلاقی و معنایی است، نتیجه مستقیم ورود مدرنیته از طریق فناوری و تغییر سبک زندگی بدون تحولات عمیق اقتصادی و نهادی است. همان‌طور که میرزایی اشاره کرد، در این وضعیت تعادل اجتماعی به هم می‌خورد و افراد برای حل مشکلات خود حاضرند دست به هر کاری بزنند. این دقیقاً توصیف دورکیم از جامعه آنومیک است که در آن انصاف، اخلاق و عقلانیت رخت برمی‌بندد.

رویکرد نئولیبرالیسم با تأکید بر بازار آزاد، رقابت فردی، کاهش نقش دولت در حمایت‌های اجتماعی و ترویج مصرف‌گرایی، فردگرایی آنومیک را تشدید کرده است. این رویکرد اقتصادی-فرهنگی، افراد را به سمت رفتارهای سودجویانه، مصرف‌محور و کوتاه‌مدت سوق داده و همبستگی اجتماعی و سرمایه فرهنگی را تضعیف کرده است. در ایران، بنا بر دیدگاه گیدنز به دلیل ناکارآمدی نهادهای سیاسی-اقتصادی و نبود حمایت‌های اجتماعی، این فردگرایی و فردیت به شکل بیمارگونه و همراه با ناامنی وجودی عمیق ظاهر شده است. همان‌طور که جواهری محمدی توضیح داد، آدم‌های در حال غرق شدن فقط به فکر نجات خودشان هستند. افراد برای یافتن معنا به سراغ معنویت‌های شخصی‌سازی‌شده (کولاژ معنوی) می‌روند یا در شبکه‌های اجتماعی به جستجوی هویت‌های جایگزین می‌پردازند.

مدرنیته در غرب، با محوریت عقلانیت وبری و گسترش حقوق شهروندی شکل گرفت. این عقلانیت، اگرچه می‌تواند به شکل ابزاری درآید، اما در بستر توسعه اقتصادی و نهادهای سیاسی مدرن، به شکل‌گیری فردیت اخلاقی و در نتیجه افول نهاد دین در جامعه منجر می‌شود. در جامعه ایران نقش دین و ارزش‌های دینی فرایند دوگانه است. از یک سو، دین به عنوان منبع اصلی معنا و همبستگی در جامعه ایرانی باقی مانده و به کاهش فردگرایی آنومیک کمک می‌کند. از سوی دیگر، مواجهه با مدرنیته، گسترش تفاسیر شخصی و

متلاشی‌شدن دین رسمی ساختارهای دینی سنتی را به چالش کشیده و موجب شده است دین به شکل‌های متکثر، فردی و گاه مصرفی در زندگی روزمره افراد حضور یابد. در ایران، ورود مدرنیته بدون توسعه اقتصادی و نهادهای دموکراتیک، به غلبه عقلانیت ابزاری محض منجر شده است. در این حالت، فرد فقط در پی محاسبه سود و زیان شخصی خود است و اخلاق و ارزش‌های جمعی به حاشیه رانده می‌شوند. نقل قول مرشدی‌زاد مبنی بر سودجویی بی‌حد و حصر و بی‌معنا شدن عرصه عمومی تجلی همین عقلانیت ابزاری کژکارکرد است.

تحولات ساختاری خانواده، به‌ویژه گذار از خانواده گسترده به هسته‌ای، فاصله‌گیری زنان از ارزش‌های عام‌گرایانه و توجه آنان به مدیریت بدن خود (غیاثوند، ۱۳۹۵) نقش مهمی در بازتعریف فردیت و فردگرایی ایفا کرده است. خانواده هسته‌ای با تمرکز بر ارزش‌های اقتصادی و بقای فردی، فاصله‌گرفتن از ارزش‌های جمعی و دینی را تسهیل کرده است. یافته‌های پژوهش به‌وضوح نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی در ایران دچار افول شده است. همان‌طور که غفاری اشاره کرد، سرمایه اجتماعی در سطح خانواده بالا است، اما به‌محض خروج از این دایره، خرد می‌شود. این امر موجب شکل‌گیری اعتماد خاص‌گرایانه به‌جای اعتماد عام‌گرایانه شده است. افراد فقط به حلقه بسیار محدود خانوادگی و دوستان نزدیک اعتماد دارند و این امر همکاری جمعی در سطح کلان جامعه را غیرممکن می‌سازد. جامعه ایران در دام تعادل اجتماعی کم‌بازده پاتنام گرفتار آمده است.

درنهایت، این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که برای مقابله با پیامدهای منفی فردگرایی آنومیک و تقویت همبستگی اجتماعی در ایران، لازم است رویکردی چندبعدی اتخاذ شود. اصلاحات ساختاری در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی باید با بازسازی و تقویت نهاد دولت ملی همراه باشد؛ به‌گونه‌ای که این دولت نه تنها بر پایه قدرت نظامی، بلکه براساس مشروعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل گیرد و انسجام ملی را تقویت کند. همچنین بازتعریف نقش دین و نهادهای دینی در چارچوب پذیرش کثرت‌گرایی دینی و فرهنگی می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد همبستگی فراگیر کمک کند. توجه به سبک‌های جدید معنابخشی نیز در فهم بهتر تحولات فردیت و فردگرایی در جامعه معاصر ایران مؤثر است و راهکارهایی برای ایجاد تعادل میان فرد و جمع ارائه می‌دهد. از طریق این تعاملات میان ساختارهای نهادی، فرهنگی و فردی است که می‌توان فردیت اخلاقی را تقویت کرد و جامعه‌ای همبسته‌تر و پایدارتر ساخت. در همین راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- دورکیم در نوشته‌های خود بر صیانت دولت از فردگرایی اخلاقی در مقابل نهادهای و ساختارهای سنتی و بوروکراتیک تأکید می‌کند. باید فردگرایی اخلاقی را که زمینه‌ساز رشد و شکوفایی خلاقیت افراد می‌شود مغتنم شمرد و با صیانت از سبک‌های زندگی در جامعه، زمینه همگرایی آن‌ها را فراهم ساخت و به‌نوعی فردگرایی انسجام‌گرا را تقویت کرد؛

- استفاده از منابع مسئولیت‌های اجتماعی نهادهای اقتصادی برای تقویت اعتماد عام‌گرایانه از طریق پروژه‌های جمعی مانند تعاونی‌های محلی، کمپین‌های آسیب اجتماعی، برنامه‌های داوطلبانه، تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد نیز در این زمینه مؤثر است؛

- تقویت نهادهای نظارتی برای کاهش فساد و ایجاد عادلانه‌تر فرصت‌های اقتصادی نیز گزینه‌ای اثربخش است؛ زیرا به تقویت عقلانیت راهبردی و کاهش عقلانیت ابزاری صرف کمک می‌کند. عقلانیت راهبردی ضمن پذیرش فردگرایی بر خیر عمومی و عدالت توزیعی تأکید دارد؛

- بر مبنای رویکردهای نظری، فردگرایی سرنوشت و ضرورت جامعه مدرن است. تقویت بنیاد خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای سرمایه‌ساز اجتماعی اهمیت دارد؛ چرا که خانواده می‌تواند میانجی کنشگران (اعضای خانواده) و نهادهای حکومتی و بازار باشد تا فرایند فردیت و فردگرایی را در مسیر فردگرایی انسجام‌گرا قرار دهد؛

- سریع‌القلم بر فردگرایی مثبت تأکید دارد؛ یعنی فردگرایی‌ای که همراه با پذیرش مسئولیت اجتماعی است، او در کتاب *عقلانیت و توسعه‌یافتگی*، برای توسعه‌یافتگی جامعه بر رواج و تشویق فردگرایی مثبت تأکید دارد؛ بنابراین ضمن پذیرش فردگرایی در جامعه عصر مدرن باید زمینه‌های تقویت فردگرایی مثبت را فراهم ساخت.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- اصغری، سیدعلی (۱۳۹۹). مفهوم‌شناسی فردگرایی در ایران و نسبت آن با مفاهیم کلاسیک فردگرایی. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۷(۱۵)، ۳۰-۹.
- اعظم‌آزاده، منصوره و توکلی، عاصفه (۱۳۸۶). فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳(۹)، ۱۰۱-۱۲۶.
- باوومن، زیگمونت (۱۴۰۲). *عشق سیال*: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی (ع. ثابتی، مترجم). انتشارات ققنوس.
- بودون، ریمون (۱۳۸۳). *منطق کنش اجتماعی* (ع. ح. نیک‌گهر، مترجم). نشر جاوید.
- جوادی یگانه، محمدرضا و هاشمی، سید ضیاء (۱۳۸۷). نگاهی جدید به مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی در جامعه‌شناسی. *نامه علوم اجتماعی*، ۳۳(۳)، ۱۶۱-۱۳۱.
- روث‌ستاین، بو (۱۳۹۳). *دام‌های اجتماعی و مسئله اعتماد* (ل. رهبری و دیگران، مترجمان). انتشارات آگه.
- ریترز، جورج (۱۴۰۱). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر* (م. ثلاثی، مترجم). انتشارات علمی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۶). *عقلانیت و توسعه‌یافتگی*. انتشارات فروزان روز.
- شعیمی، محیا (۱۴۰۰). تبیین میزان فردگرایی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی. *تغییرات اجتماعی-فرهنگی*، ۱۸(۷۰)، ۷۷-۹۶. <https://doi.org/10.30495/jssc.2021.690271>
- صادقی فسایی، سهیلا و امینیان، احسان (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی نظم اجتماعی با توجه به انواع هنجارگرایی و عوامل اجتماعی موثر بر آن. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳(۲)، ۳۱۰-۲۸۵. <https://doi.org/10.22059/jisr.2014.53141>
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۴). دنیای زنان در پرتو فضاهاى جنسیتی شهری مدرن. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۷(۲)، ۳۲۲-۲۹۹. <https://doi.org/10.22059/jrd.2015.60565>
- فراستخواه، مقصود (۱۴۰۰). *ما ایرانیان: زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیات ایرانی*. نشر نی.
- فلیک، اووه (۱۴۰۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی* (ه. جلیلی، مترجم). نشر نی.
- کاظمی، عباس (۱۴۰۱). *امر روزمره در جامعه پساانقلابی*. فرهنگ جاوید.
- کرمی، محمدحسین (۱۳۹۳). فردگرایی به مثابه مطلوبیت‌های افراد در تابع رفاه اجتماعی از منظر اسلام و لیبرالیسم. *جستارهای اقتصادی ایران* با رویکرد اسلامی، ۲۱(۲)، ۱۶۱-۱۸۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید* (ن. موفقیان، مترجم). نشر نی.
- نبوی، سیدحسین (۱۴۰۱). *فردگرایی و جمع‌گرایی در ایران (تحلیلی از وضعیت اخلاق اجتماعی)*. مرکز رصد فرهنگی.

References

- Asghari, S. A. (2020). Conceptualization of individualism in Iran and its relation to classical concepts of individualism. *Sociology of Social Institutions*, 7(15), 9–30. (In Persian) <https://sid.ir/paper/378939/fa>
- Azadeh, M. A., & Tavakoli, A. (2007). *Individualism, collectivism and religiosity*. Cultural and Communication Studies, 3(9), 101–126. (In Persian)
- Bauman, Z. (2023). *Liquid love: On the fragility of human bonds* (A. Sabiti, Trans.). Ghoqnoos Publishing. (Original work published 2003). (In Persian)
- Benedict, R. (1934). *Patterns of culture*. Houghton Mifflin.
- Boudon, R. (2004). *The logic of social action* (A. H. Nik-Gohar, Trans.). Javid Publishing. (Original work published 1979). (In Persian)
- Durkheim, É. (1984). *The division of labour in society* (G. Simpson, Trans.). The Macmillan Company. (Original work published 1893)
- Flick, U. (2022). *An introduction to qualitative research* (H. Jalili, Trans.). Nashr-e Ney. (Original work published 2022). (In Persian)
- Foroughi, M. (2021). *We Iranians: A historical and social context of Iranian traits*. Nashr-e Ney. (In Persian)
- Ghiyasvand, A. (2015). Women's world in the light of modern urban gendered spaces. *Local Development (Rural-Urban)*, 7(2), 299–322. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jrd.2015.60565>
- Giddens, A. (1990). *The consequences of modernity*. Stanford University Press.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. Stanford University Press.
- Javadi Yeganeh, M. R., & Hashemi, S. Z. (2008). A new look at the conflict between individualism and collectivism in sociology. *Social Science Letter*, (33), 131–161. (In Persian)
- Karami, M. (2014). Individualism as individual utilities in social welfare function from the perspective of Islam and liberalism. *Iranian Economic Essays with Islamic Approach*, (21), 161–181. (In Persian)
- Kazemi, A. (2022). *The everyday in post-revolutionary society*. Farhang-e Javid Publishing. (In Persian)
- Nabavi, S. H. (2022). *Individualism and collectivism in Iran: An analysis of the state of social ethics*. Center for Cultural Observation Publishing. (In Persian)
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.
- Ritzer, G. (2022). *Contemporary sociological theory* (M. Solasi, Trans.). Elmi Publishing. (Original work published 2019). (In Persian)
- Rothstein, B. (2014). *Social traps and the problem of trust* (L. Rahbari & Colleagues, Trans.). Agah Publishing. (Original work published 2005). (In Persian)
- Sadeghi Fasaee, S., & Aminian, E. (2014). Sociological analysis of social order according to types of normativity and affecting social factors. *Social Studies and Research in Iran*, 3(2), 285–310. (In Persian). <https://doi.org/10.22059/jisr.2014.53141>
- Sariolghalam, M. (2017). *Rationality and development*. Farzan-e Rooz Publishing. (In Persian)
- shoeybi, M. (2021). Expression of the Relationship between Extremism Individualism and Social cohesion in Citizens. *Socio-Cultural Changes*, 18(70), 77–96. (In Persian) <https://doi.org/10.30495/jscc.2021.690271>
- Simmel, G. (1900). *The philosophy of money*. Routledge.
- Taylor, C. (1991). *The ethics of authenticity*. Harvard University Press.
- Triandis, H. C., & Gelfland, M. J. (1998). Converging measurement of horizontal and vertical individualism and collectivism. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74(1), 118–128. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.74.1.118>.
- Weber, M. (1905). *The Protestant ethic and the spirit of capitalism*. Routledge.

فهرست استنادات

- جواهری محمدی، عباس (۱۴۰۱)، ابعاد روان‌شناختی فردگرایی، *مجله‌اندیشه‌آینده*، سال اول، شماره چهارم، صفحه ۸۴
- زارعان، منصوره (۱۴۰۱)، نگاهی به کارکردهای نهاد خانواده و نسبت آن با فردگرایی، *مجله‌اندیشه‌آینده*، سال اول، شماره چهارم، صفحه ۸۲
- شاه‌قاسمی، احسان (۱۴۰۱)، در نسبت میان فردگرایی و فضای مجازی، *مجله‌اندیشه‌آینده*، سال اول، شماره چهارم، صفحه ۱۲۲

- شعبانی، یحیی (۱۴۰۱)، فردگرایی شبکه‌های با تمرکز بر مفهوم «انسان بیش مرتبط»، *مجله اندیشه آینده*، سال اول، شماره چهارم، صفحه ۱۲۶.
- صادق‌نیا، مهراب (۱۴۰۱)، پیوند میان فردمحوری در جهان جدید و عرفان‌های نوظهور، *مجله اندیشه آینده*، سال اول، شماره چهارم، صفحه ۱۲۸.
- عشایری، طاها (۱۴۰۱)، فردگرایی و قانون‌گریزی، *مجله اندیشه آینده*، سال اول، شماره چهارم، صفحه ۴۴.
- غفاری، غلامرضا (۱۴۰۱)، مروری بر شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی و نسبت آن با فردگرایی، *مجله اندیشه آینده*، سال اول، شماره چهارم، صفحه ۹۰.
- مرشدی‌زاد، علی (۱۴۰۱)، نگاهی به فلسفه سیاسی فردگرایی و تبعات آن در حیات عمومی، *مجله اندیشه آینده*، سال اول، شماره چهارم، صفحه ۱۰۶.
- میرزایی، حسین (۱۴۰۱)، فردگرایی خانواده‌گرا در ایران، *مجله اندیشه آینده*، سال اول، شماره چهارم، صفحه ۷۶.
- نجاتی‌حسینی، سید محمود (۱۴۰۱)، پیوندسنجی دین‌ورزی و فردگرایی، *مجله اندیشه آینده*، سال اول، شماره چهارم، صفحه ۱۱۲.